

بررسی کارایی آزمون ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT)

فائزه سهرابی^{✉*}، عباس بخشی پور رودسری^{**} و تورج هاشمی
نصرت آباد^{***}

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی کارایی نسخه فارسی آزمون شخصیتی کمپن (4DPT) بود. بدین منظور نمونه‌ای با حجم ۳۱۵ نفر از میان دانشجویان با دامنه سنی ۱۸-۲۶ ساله به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و از آن‌ها خواسته شد تا آزمون‌های 4DPT و EPQ-RS را تکمیل کنند. پرسشنامه‌ای ۶۴ سؤالی است که ۴ بعد شخصیتی E (برونگرایی)، N (نوروزگرایی/روان رنجورخویی)، S (بی‌احساسی) و G (نظم) را دربردارد. این آزمون در سال ۱۹۹۷ ساخته شد و محقق آن را به فارسی ترجمه کرد و برای اولین بار در ایران بررسی شد. نتایج این آزمون با آزمون شخصیتی آیزنک (EPQ-RS) مقایسه و پایایی آن با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برآورد شد. ضرایب آلفای محاسبه شده (ضریب آلفای کلی و ضریب آلفای هر مقیاس) بیان‌کننده پایایی نسبی سؤالات در اندازه‌گیری ویژگی موردنظر بودند. عامل N (روان رنجورخویی) از بالاترین میزان پایایی بهره‌مند بود. روایی آزمون با بررسی همبستگی مقیاس‌های (4DPT) با (EPQ-RS) و نیز تحلیل عاملی برآورد شد. ابعاد E و N، بالاترین میزان همبستگی را داشتند؛ ابعاد S و G همبستگی چشمگیری نداشتند. نتایج تحلیل عوامل اصلی، توسط چرخش واریماکس توانایی نسبتاً بالای عاملی شدن شاخص‌ها را تأیید کرد.

کلید واژه‌ها

آزمون شخصیتی کمپن؛ پرسشنامه شخصیتی آیزنک؛ عوامل شخصیتی

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه مهاباد،

Sohrabi faeze@yahoo.com

** دانشیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه تبریز

*** دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۵

مقدمه

اصطلاح شخصیت از کلمه لاتین پرسونا^۱ به معنای نقاب اخذ شده است. در یونان باستان، بازیگران به هنگام نمایش ماسکی را به صورت خود می‌زدند و از طریق آن نقش واقعی خود را، در ارتباط با همان نقاب، ارائه می‌دادند. مردم نیز سعی دارند رفتار خود را مطابق خواسته‌ها و انتظارات اجتماعی بروز دهند، اما شخصیت در معنای علمی به این سادگی تبیین‌پذیر نیست، زیرا شخصیت یک مفهوم انتزاعی است که از طریق انسجام و هماهنگی مجموعه‌ای از خصوصیات معنا پیدا می‌کند. این خصوصیات عبارت هستند از عواطف و هیجانات، انگیزه‌ها، افکار، تجارب و ادراکات. از سوی دیگر شخصیت تنها شامل جنبه‌های ظاهری رفتار نیست، بلکه معنای واقعی شخصیت چند بعدی است و این ابعاد شامل طیفی از فرآیندهای درونی و ذهنی است که افراد را به انجام‌دادن رفتار معینی وادار می‌کند. به همین دلیل هر یک از نظریات موجود در حیطه روان‌شناسی شخصیت، تعریف ویژه‌ای از شخصیت ارائه می‌دهند. روان‌شناسان به دو دلیل به حیطه شخصیت و سبک‌های شخصیتی متفاوت افراد علاقمند هستند؛ در ابتدا بررسی این حیطه می‌تواند به درک ما از رفتار یک فرد خاص کمک کند، که این کار به معنای ارزیابی بالینی یک فرد است؛ و دوم در حوزه پژوهش روان‌شناختی و نظریه‌سازی، سنجش شخصیت باعث گسترش اطلاعات کلی ما از رفتار آدمی می‌شود. مدل سه بعدی شخصیت آیزنک^۲ معروف‌ترین نظریه در زمینه مطالعات علمی شخصیت است. پرسشنامه شخصیت آیزنک (EPQ)^۳ (آیزنک، ۱۹۷۵: ۱۱؛ بارت^۴ و آیزنک، ۱۹۹۳: ۶۰) معروف‌ترین ابزار سنجش سه بعد و وسیع نظریه شخصیت آیزنک است که مطالعات زیادی درباره آن انجام شده است. این سه بعد شخصیت عبارت هستند از نوروزگرایی^۵، برونگرایی (E)^۶ و پسیکوزگرایی (P)^۷. EPQ شامل مقیاس دروغ‌سنج (L) برای سنجش

-
1. persona
 2. Eyesenck
 3. Eyesenck Personality Questionnaire
 4. Barrett
 5. Neuroticism
 6. Extraversion
 7. Psychoticism

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۴۵

تمایلات « خوب‌نمایی » نیز است. مفهوم پسیکوزگرای (P) و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس P با انتقادات بی‌شماری مواجه شده است (برای مثال، چرچ و بورکه^۱، ۲۰۰۱؛ ۶؛ بارتکو^۲، ۲۰۰۷؛ ۳۶۷؛ لوئین^۳، ۱۹۹۹؛ ۱۸۹؛ کوستا و مک کری^۴، ۱۹۹۲؛ ۸۶۳؛ فن کمپن، ۱۹۹۶؛ ۱۹۹۷؛ ۵۹). در مقاله حاضر ضمن معرفی انتقادات فن کمپن، نظریه چهار عاملی شخصیت او و نیز ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه چهار عاملی شخصیت (4DPT)^۵ که متضمن معرفی دو عامل نسبتاً مستقل بی‌احساسی^۶ (S) و نظم^۷ (G) است که به جای پسیکوزگرای ارائه می‌شود. فن کمپن^۸ (۱۹۹۳؛ ۱۰۰؛ ۱۹۹۶؛ ۵۸؛ ۱۹۹۷؛ ۲۳۰) ارزیابی موشکافانه و انتقادی مفصلی نسبت به عامل پسیکوزگرای ارائه داده است. اساس استدلال فن کمپن این است که این عامل، دست کم شق «ژنوتاییپ اش»^۹ غیر قابل دفاع است. زیرا مدل آیزنک بر نظریه نادرست پیوند ژنتیکی میان اسکیزوفرنی و اختلال شیدایی-افسردگی استوار است. وقتی محتوای ماده‌های مقیاس P با توصیفات بالینی یا توصیفات مبتنی بر پژوهش از شخصیت پیش اسکیزوفرنیایی یا اسکیزوئیدی، پیش‌شیدایی (هایپومانیا) و پیش افسرده درونزاد مقایسه می‌شود، در حقیقت شباهت خاصی بین این محتواها و برخی ویژگی‌های شخصیت پیش اسکیزوفرنیایی می‌تواند شناسایی شود. این ویژگی‌ها در میان خویشان زیست‌شناختی، اما غیر روان‌پریش مبتلایان به اسکیزوفرنی نیز دیده می‌شود و شکل‌دهنده بخشی از آن چیزی است که مجموعه علامتی اسکیزوئیدی یا اسکیزوتاییپ خوانده می‌شود. با این حال سایر ویژگی‌های شخصیتی پیش اسکیزوفرنیایی / اسکیزوئیدی معلوم شده است که با برون‌گرایی (E) پائین یا نوروگرایی (N)

1. Chrch & burke
2. bartko
3. loehlin
4. Costa and McCrae
5. 4 Dimensional Personality Test

(که شامل ۴ بعد روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، نظم و بی‌احساسی است پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی)

6. Insensitivity
7. Orderliness
8. Van Kampen

۹. (ژنوتایپ به معنی آندسته از ویژگی‌هایی است که از طریق ژن‌ها به ارث می‌رسد و به‌عنوان ذخیره ژنتیکی

افراد در نظر گرفته می‌شود)

بالا مرتبط است (کندلر و دیهل^۱، ۲۰۰۰؛ ۲۶۹). بنابراین، از نظر فن کمپن مقیاس P به جای آنکه یک ابزار تشخیصی فنوتایپی آمادگی ژنتیکی مشترک اسکیزوفرنی و پسیکوز شیدایی-افسردگی باشد، به‌عنوان ابزار سنجش تنها برخی صفات اسکیزوئیدی تعریف شد که می‌تواند هم پیش از فروپاشی اسکیزوفرنیایی حاضر باشد و هم در خویشان زیست‌شناختی غیر روان پریش مبتلایان به اسکیزوفرنی دیده شود.

فن کمپن معتقد است مقیاس P به‌عنوان یک ابزار سنجش صفات پیش اسکیزوفرنیایی/اسکیزوئیدی نسبتاً ضعیف است. زیرا برخی از ویژگی‌های پیش اسکیزوفرنیایی/اسکیزوئیدی که مستقل از پیش اسکیزوفرنیایی/اسکیزوئیدی که مستقل از E و N هستند مانند تکبر و خودمحوری در این مقیاس حاضر نیستند یا به شکل مورب بازنموده می‌شوند، در حالیکه از سوی دیگر، برخی ماده‌های مقیاس p و به‌طور خاص آن دسته که با شلختگی و وقت‌شناسی ضعیف (بدقولی) مرتبط هستند به نظر نمی‌رسد هیچگونه پیوندی با صفات اسکیزوئیدی داشته باشند. علاوه بر این معلوم شده که این صفات متضاد در ادبیات این زمینه به ویژگی‌هایی اشاره دارند که مقدم بر شروع افسردگی درونزاد یا اختلال افسردگی اساسی دیده می‌شوند. برای نمونه تلنباخ^۲ (۱۹۶۱: ۱۵۳؛ به نقل از فن کمپن ۱۹۹۷) در توصیفی که از شخصیت پیش افسردگی درونزاد ارائه می‌کند، به صفاتی چون وقت‌شناسی، موشکافی و دقت، کمال‌گرایی، محتاط بودن، نافرماموشکاری، مقاوم، سرسخت و قاطع بودن اشاره دارد. این صفات تا درجه و میزانی حاضرند که تلنباخ از یک ساختار شخصیتی آنانکاستیک یا نشانگان مبتلا به وسواسی-جبری صحبت می‌کند. این ساختار شخصیتی با مشاهدات آبراهام دربارهٔ بیماران مبتلا به شیدایی-افسردگی همسو است که در فاصله‌های رها از علامت خود، ساختار منشی شبیه به بیمار وسواسی را به نمایش می‌گذارند. برای مثال در نگرششان به تمیزی و نظم، در لجاجت و تمردشان و در احساساتشان دربارهٔ پول و دارایی (گری و پیکرینگ^۳، ۲۰۰۲: ۴۳۲). در مطالعهٔ کلاریدج^۴ و همکاران (۲۰۰۰) نشان داده شد که در افراد مذکور سطوح بالای وسواس و انعطاف‌ناپذیری از خویشان درجهٔ اول هم سالم هم بیمار (اما هم اکنون غیر افسرده

-
1. Kendler and Diehl
 2. Tellenbakh
 3. Gray & pickering
 4. claridge

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۴۷

و بیماران مبتلا به افسردگی تک قطبی) دیده می‌شود. البته، این احتمال نیز مطرح است که این سطوح بالای صفات و سواسی می‌تواند به‌عنوان پیامد دورهٔ افسردگی پیشین (شخصیت پس‌مرضی) توضیح داده شود. برای توصیف کامل نسخ ملانکولیک، صفاتی چون وابستگی بین شخصی و تمایل شدید به سرزنش خود، باید به صفاتی که قبلاً فهرست شده اضافه شود. لذا این صفات اضافی، مرتبط با N بالا معلوم شده که کم‌تر اختصاصی شخصیت پیش افسردگی درونزاد است. به‌علاوه نمره‌های N بالا همیشه پس از بهبودی دیده نمی‌شود که تعبیر آن این است که شخصیت پیش مرضی نیز از پایداری هیجانی بهره‌مند بوده است (ولما^۱، ۲۰۰۳).

به‌رغم این واقعیت که برخی ماده‌های P به نظر می‌رسد با ویژگی‌های محوری شخصیت پیش افسردگی درونزاد مرتبط است، این مشابهت منطبق بر مدل پسیکوزگرای آیزنک نیست، زیرا در تقابل با شباهت دست کم برخی صفات پیش اسکیزوفرنیایی با مقیاس P، شباهت شخصیت پیش افسردگی در تضاد با کلید نمره‌گذاری P است. در نتیجه به جای مفهوم تک بعدی آیزنک از پسیکوزگرای علاوه بر ابعاد E و N، دو بعد شخصیتی مجزا، باید تمییز و تشخیص داده شوند. به‌عبارت دیگر بعد شخصیتی پسسیکوزگرای باید به دو بعد اساسی دیگر شخصیت تجزیه شود که نسبتاً از هم مستقل هستند. یکی از آن‌ها بعد مرتبط با بخش اسکیزوئیدی مقیاس P است. این بعد را فن کمپن بعد سردی یا بی‌احساسی (S) می‌خواند و پس از ساختن مقیاسی برای سنجش این عامل معلوم شد که این بعد به بعد شخصیتی دلپذیر بودن (A) پایین به پنج عامل بزرگ شباهت دارند و بنابراین، با جانشین کردن S به جای P، تمامی ابعادی که جدید به نظر می‌رسد، با یک عامل پنج عامل بزرگ هم‌ارز هستند، چون ابعاد برون‌گرایی (E) و نوروزگرای (N) در مدل پنج عامل بزرگ، هم‌ارزهای خود را دارند. با توجه به بخش افسرده‌ساز درونزاد مقیاس P، یک بعد مشابه با مدل پنج عامل بزرگ ظاهر می‌شود. ویژگی‌های نظم و دقت به نظر می‌رسد به بعد شخصیتی باوجدان بودن (C) اشاره دارند. در مدل پنج عامل بزرگ اعتقاد بر این است که بعد شخصیتی دلپذیر بودن (A) و باوجدان بودن (C)، غیر همبسته هستند (کوستا و مک کری^۲، ۱۹۹۲: ۸۶). هرچند این فرضیه ممکن است کاملاً دفاع‌پذیر نباشد، ابعاد پنج عامل بزرگ می‌تواند دست کم به‌طور مستقل

1. vollema
2. Costa and Mc cray

نگریسته شوند. بنابراین، همان‌گونه که فن کمپن نتیجه می‌گیرد، انتقادات نظری او علیه سازهٔ پسکوزگرایی (P) آیزنک به فرضیهٔ دو عامل نسبتاً مستقل منتهی شد که همراه با ابعاد N و E به احتمال زیاد با چهار بعد شخصیتی پنج عامل بزرگ همگراست. تنها بعد پنجم پنج عامل بزرگ یعنی انعطاف‌پذیری در برابر تجربه (مک کری و کوستا، ۱۹۸۵) به نظر می‌رسید در سیستم فن کمپن هم‌ارز و معادلی ندارد. کوستا و مک کری (۱۹۹۲) نیز اظهار کرده‌اند که عامل P آیزنک به نظر می‌رسد آمیزه‌ای از دلپذیر بودن پایین (A) و با وجدان بودن پایین (C) است و نه یک بعد شخصیتی سطح بالا. لذا بر طبق نظر آیزنک (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۲) موقعیت دقیقاً معکوس است؛ یعنی دلپذیر بودن (A) و با وجدان بودن (C) به‌عنوان وجوهی از P در نظر گرفته می‌شود. آیزنک مدعی است که پایگاه نظری سازهٔ پسکوزگرایی در تقابل با صرفاً منزلت روانسنجی A و C محکم‌تر است. آیزنک اظهار می‌دارد که بازنمایی دو عاملی P با هیچ نظریه‌ای پیوندی ندارد. به‌عبارت دقیق‌تر به عقیدهٔ آیزنک P همانند N و E بخشی از شاخهٔ روابط قانونمند با متغیرهای دیگر را شکل می‌دهد، در حالی که ابعاد پنج عامل بزرگ تنها بر شیوهٔ صرفاً رده‌بندی گرایانه نگریستن به صفات مبتنی است. بنابراین، روشن است که تنها مدل سه عاملی شخصیت او می‌تواند از طریق استنتاجات قیاسی از شبکه‌های قانونمند آن به آزمون گزارده شود. برای نمونه، دربارهٔ P می‌توان پیش‌بینی‌پذیری دربارهٔ رفتار بیماران مبتلا به اسکیزوفرن در تقابل با افراد سالم در رفتار تعقیب چشمی یا بازداری نهان انجام داد. همین تفاوت‌ها در افراد دارای نمره‌های بالا و پایین در مقیاس P به شکل هم‌ارز دیده می‌شود. این‌گونه پیش‌بینی‌ها از سوی عامل‌های پنج عامل بزرگ تولید نمی‌شود، زیرا آن‌ها هیچ پایهٔ نظری ندارند. به عقیدهٔ آیزنک بسیاری از یافته‌های آزمایشگاهی این معیار نسبتی را تأیید می‌کنند (آیزنک، ۱۹۹۲: ۷۷۴) و همین امر نشان‌دهندهٔ قدرت مدل شخصیتی اوست، در نتیجه عوامل شخصیتی نظریهٔ او را می‌توان عوامل پایهٔ شخصیتی در نظر گرفت. در پاسخ به مدعیات آیزنک و گلدبرگ^۱ (۲۰۰۱) و فینکل^۲ (۲۰۰۵) به‌درستی استدلال کردند که باور آیزنک به ارجحیت نظری بعد P بر مبنای یافته‌هایی که بر معیار نسبتی متکی هستند از لحاظ منطقی صحیح نیست. زیرا هر متغیری که آمیزه‌ای از دو متغیر دیگر است، ناگزیر با جمیع متغیرهای همبسته با هریک از آن دو متغیر یا هر دو متغیر نیز

-
1. goldberg
 2. finkel

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۴۹

همبسته و مرتبط است. چون مقیاس P ماده‌های همبسته با C و A دارد، پس همه متغیرهایی که با C و A مرتبط و همبسته هستند، ضرورتاً با مقیاس P نیز مرتبط و همبسته هستند. بنابراین، بر مبنای معیار نسبتی ممکن نیست بین عامل P آیزنک و بازنمایی دو عاملی پنج عاملی بزرگ تصمیم بگیریم.

به‌طور خلاصه، فن کمپن معتقد است مدل سه عاملی شخصیتی آیزنک نامعتبر است. به تعبیر دقیق‌تر بعد شخصیتی پسیکوزگرایی (P) یک بعد مستقل نیست، بلکه به دو بعد شخصیتی بی‌احساسی (S) که شخصیت پیش اسکیزوفرنیایی / اسکیزوئیدی و نظم و دقت (G) که شخصیت پیش افسردگی درون‌زاد را باز می‌نماید، تجزیه‌پذیر است و مدل او هم بر یافته‌های مرتبط بر نظریه مبتنی است و هم بر تمایز ژنتیکی میان اسکیزوفرنیا و اختلال افسردگی-شیدایی. فن کمپن ابتدا با تمرکز روی بعد شخصیتی پیش اسکیزوفرنیایی / اسکیزوئیدی، عامل شخصیتی بی‌احساسی (S) را ساخت با تصور اینکه این بعد بیان خالص‌تری از همان چیزی است که آیزنک بعد پسیکوزگرایی P تلقی می‌کند. بر مبنای همین تمایزات مفهومی فن کمپن (۱۹۹۳) ابتدا پرسشنامه سه بعدی شخصیت DPT^۱ را با ۴۸ ماده به زبان آلمانی ترجمه کرد. در اشتقاق مقیاس S، تنها به ادبیات مرتبط با شخصیت پیش اسکیزوفرنیایی و اسکیزوئیدی توجه می‌شد و نه عامل دلپذیر بودن. در واقع شباهت میان این دو بعد شخصیتی تنها پس از ساختن مقیاس S شناسایی شد، اما پس از کشف این رابطه با توجه به ادبیات پژوهشی مرتبط با عامل باوجدان بودن از یکسو و ادبیات شخصیت پیش افسردگی درون‌زاد از سوی دیگر، عامل نظم و دقت (G) را با معرفی پرسشنامه شخصیت چهار بعدی (4DPT) ساخت. این آزمون به دلیل پایه نظری روشن، توصیف دقیق از ابعاد پایه شخصیت به‌دست می‌دهد و می‌تواند با توجه به همان پایه مبنای مطالعات گسترده‌ای در زمینه شخصیت و آسیب‌شناسی روانی قرار گیرد. برای نمونه مطالعاتی که در زمینه بررسی میزان عامل S (بالا و پایین بودن) انجام شده (فن کمپن، ۱۹۹۶) بسیاری از شاخص‌های فیزیولوژیکی، پیش‌درآمد پسیکوز، را تأیید می‌کند. هدف مطالعه حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی، همسانی درونی و روایی سازه (4DPT) است.

1. Dimensional personality Test

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود. شاخص‌های توصیفی ضرایب پایایی، روایی و تحلیل ساختار عاملی برای برآورد ویژگی‌های روان‌سنجی 4DPT استفاده شد. جامعه آماری شامل دانشجویان ۲۶-۱۸ ساله دانشگاه تبریز بود. نمونه مورد بررسی متشکل از ۳۱۵ نفر بود که به شکل خوشه‌ای از بین دانشکده‌های دانشگاه با رعایت نسبت جنسیتی هر دانشکده انتخاب و از میان دانشکده‌ها به شکل تصادفی انتخاب شد. بدین صورت که ۵ دانشکده از میان دانشکده‌ها و ۱۹۲ دختر و ۱۲۳ پسر به شیوه تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه بر اساس ملاک‌های نوع پژوهش (هنجاربایی) و با توجه به تعداد نمونه بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه مورگان برای جامعه‌ای با حجمی در حدود ۱۰۰۰ نفر، ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد که به دلیل افت آزمودنی در نهایت ۳۱۵ نفر به‌عنوان نمونه بررسی شدند.

در مرحله اجرای پژوهش از آزمودنی‌ها خواسته شد که پرسشنامه‌ها را به ترتیب پر کنند و برای کنترل اثر تقدم ترتیب ارائه ۲ پرسشنامه در آزمودنی‌ها به تصادف متفاوت بود. مدت زمان لازم برای پاسخگویی به آزمون اختیاری بود و در حضور محقق انجام شد. روش‌های آماری مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها آلفای کرونباخ، همبستگی و تحلیل عوامل بود.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

آزمون شخصیتی کمپن (4DPT): آزمون خودسنجی ۶۴ سؤالی است که توسط محقق به زبان فارسی ترجمه و برای اولین بار در دانشگاه تبریز استفاده شد (۱۳۸۶). آزمون مذکور ۴ عامل را می‌سنجد که هر مقیاس شامل ۱۶ سؤال است. عوامل عبارت هستند از: برونگرایی، روان رنجورخویی، نظم و بی‌احساسی. تمامی سؤال‌ها طبق نسخه اصلی پرسشنامه ترجمه شد و با همین ترتیب به فارسی برگردانده شد. برای برطرف کردن اثر ترتیب و تقدم، ارائه ۲ آزمون به صورت تصادفی اجرا شد، بدین صورت که به بعضی از آزمودنی‌ها ابتدا پرسشنامه آیزنک و سپس کمپن داده شد و برعکس به دیگر آزمودنی‌ها ابتدا آزمون کمپن و به دنبال آن آیزنک داده شد. ضرایب پایایی این پرسشنامه برای مقیاس E (۰/۵۹)، برای مقیاس G (۰/۵۷)، برای مقیاس S (۰/۶۷) و برای مقیاس N (۰/۷۶) محاسبه شده است. ضرایب پایایی کلی نیز حدود ۰/۶۹ برآورد شد.

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۵۱

پرسشنامه تجدید نظر شده آیزنک-فرم کوتاه (EPQ-RS): مقیاس ۴۸ سؤالی (EPQ-RS) برای ۳ عامل پایه شخصیت، یعنی روان‌رنجورخویی (N)، برون‌گرایی (E) و روان‌پریش‌خویی (P) ارائه شد (گروسی ۱۳۸۰: ۲۵). هر مقیاس شامل ۱۲ سؤال است. این ابزار به زبان‌های مختلف و از جمله فارسی ترجمه شده است. طبق بررسی‌های انجام شده درباره پایایی و روایی عوامل E و N این پرسشنامه، توافق کامل وجود دارد، اما عامل P هنوز در میان تناقضات وسیعی قرار دارد (شولتز، ۱۹۹۴: ۱۲۷، شولتز، ۱۹۸۷؛ ۲۷۳). فرم بلند این مقیاس نیز وجود دارد که در این پژوهش از فرم کوتاه ۴۸ سؤالی آن استفاده شد (فیرس، ۲۰۰۲). در مطالعه حاضر از EPQ-RS به منظور سنجش روایی همگرای مقیاس‌های 4DPT استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ نشان‌دهنده یافته‌های توصیفی پژوهش است. شاخص‌های انحراف معیار و میانگین مربوط به ۴ عامل شخصیتی مدل کمپن با توجه به جنسیت آزمودنی‌ها مشاهده می‌شود. آزمون برابری واریانس‌های لوین نشان‌دهنده برابری واریانس خطای متغیرهای وابسته در گروه‌های مورد مطالعه است؛ چرا که F به دست آمده در سطح $P < 0/01$ معنادار نیست. تفاوت‌های گروه‌های مورد مطالعه (مردان-زنان) از نظر متغیر N (روان‌رنجورخویی) و E (برونگرایی) در سطح $P < 0/05$ معنادار است و با توجه به میانگین‌های به دست آمده میزان روان‌رنجورخویی و برونگرایی در زنان بیشتر از مردان است، ولی در دو متغیر دیگر تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد مربوط به آزمون چهار عاملی شخصیتی کمپن (4DPT)

مقیاس	مردان		زنان		کل		آزمون F
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
N	۵/۹۲۶۸	۵۰۶۸/۳	۸۰۲۱/۶	۳۴۹۲/۳	۴۶۰۳/۶	۴۳۲۸/۳	۴/۹۳۵*
S	۸۳۷۴/۵	۰۰۱۰/۳	۹۱۶۷/۵	۰۱۷۱/۳	۸۸۵۷/۵	۰۰۶۳/۳	۰/۰۵۲
G	۰۰۶۳/۳	۸۴۹۸/۲	۶۱۴۶/۱۱	۰۵۹۲/۳	۸۰۳۲/۱۱	۹۸۳۹/۲	۱/۹۷۰
E	۲۰۳۳/۹	۴۵۲۲/۳	۹۳۷۵/۹	۱۶۸۳/۳	۶۵۰۸/۹	۲۹۶۲/۳	۳/۵۷۳*
N	۱۲۳		۱۹۲		۳۱۵		

*. همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵.

در این پژوهش علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی، از روش تحلیل عاملی اکتشافی (EFA)، با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس ۶۴ سؤالی (4DPT) برای ۴ عامل پایه شخصیت یعنی روان‌رنجورخویی (N)، برون‌گرایی (E)، بی‌احساسی (S) و نظم (G) استفاده شد. برای انجام دادن روش تحلیل عاملی، نخست بر اساس نظر تاباچنیک^۲ و فیدیل^۳ (۱۹۹۶) (به نقل از جوشن لو، ۱۳۸۵) مبنی بر وجود همبستگی بالای بین چند آیتم، میزان همبستگی آیتم‌ها بررسی شد که تحلیل داده‌ها نشان داد که حداقل بین چند آیتم همبستگی شایان توجه و مساوی یا بزرگ‌تر از ۰/۳۰ در کل نمونه وجود دارد. بنابراین، روش تحلیل عاملی پی گرفته شد. سپس برای ارزیابی مناسب بودن نمونه برای تحلیل عاملی، کفایت یا بسندگی نمونه‌گیری با استفاده از آزمون کرویت بارتلت انجام شد. ضریب بسندگی نمونه‌گیری بر اساس آزمون کایزر-مایر-اوکلین (KMO) محاسبه شد که این ضریب برابر بود با ۰/۶۸ و نیز آزمون χ^2 کرویت بارتلت نیز محاسبه شد که برابر بود با ۶۵۹/۲ که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار بود. نتایج این آزمون‌ها نشان داد که نمونه‌ها و داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند (مندرجات جدول ۲).

نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که آزمون کفایت نمونه‌برداری در ۳ گروه به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۸ است که از مقدار ۰/۶۰ بالاتر است (تاباچنیک و فیدل، ۱۹۹۶ به نقل از جوشن لو، ۱۳۸۵؛ هومن، ۱۳۸۰). آزمون کرویت بارتلت در هر دو گروه نمونه و کل نمونه معنادار بوده و نشان‌دهنده این نکته است که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده به جامعه‌ای با متغیرهای ناهمبسته متعلق است، لذا داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند (هومن، ۱۳۸۰). در گام بعدی بررسی نمودار اسکری انجام شد، در این راستا مندرجات نمودار نشان داد که پنج عامل حائز ارزش ویژه بالای ۱ هستند.

-
1. Exploratory Factor Analysis
 2. Tabachnick
 3. Fidell

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۵۳

جدول ۲: نتایج آزمون‌های کرویت بارتلت و کفایت نمونه‌برداری

شاخص (KMO)	زنان	مردان	کل
	۰/۷۲	۰/۶۵	۰/۶۸
آزمون کرویت بارتلت	۶۶۵/۱	۶۴۱/۴	۶۵۹/۲
درجه آزادی	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۵
سطح معناداری	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
N	۳۱۵	۱۲۳	۱۹۲

در گام بعدی داده‌های مربوط به ۲ گروه دانشجویی (دختران و پسران) و نیز کل نمونه به شکل جداگانه بنا به توصیهٔ تاجچینک و فیدل (۱۹۹۶) بر اساس مدل چرخش مایل^۱ تحلیل شد. سپس همبستگی بین عوامل بررسی شد و چون در هر سه نمونه همبستگی بین برخی عامل‌ها کم‌تر از ۰/۳۳ بود، تحلیل عاملی بر اساس چرخش واریماکس دنبال شد (به نقل از جوشن لو، ۱۳۸۵). به همین دلیل تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس برای هر دو گروه نمونه دانشجویی و کل نمونه انجام شد. نتایج تحلیل مذکور در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج مربوط به تحلیل عامل‌های اصلی آزمون ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT)

عامل	زنان			مردان			کل	
	ارزش ویژه	واریانس تبیین شده	واریانس تراکمی	ارزش ویژه	واریانس تبیین شده	واریانس تراکمی	ارزش ویژه	واریانس تبیین شده
۱	۱/۹۲	۸/۲	۸/۲	۷/۹۱	۷/۹۱	۷/۹۱	۱/۹	۸/۱
۲	۱/۶۸	۷/۴	۱۵/۶	۷/۱	۱/۷۹	۱۵/۰۱	۱/۶۵	۷/۲
۳	۱/۵۶	۶/۷	۲۲/۳	۶/۴	۱/۴۳	۲۱/۴۱	۱/۵۲	۶/۵
۴	۱/۱۲	۵/۹	۲۸/۲	۵/۱	۱/۲۱	۲۶/۵۱	۱/۱۲	۵/۷
۵	۰/۹۹	۳/۴۵	۳۱/۶۵	۳/۲	۱/۰۸	۲۹/۷۱	۰/۹۸	۳/۲
۶	۰/۹۵	۲/۹۱	۳۴/۵۶	۲/۸	۰/۹۲	۳۲/۵۱	۰/۹۳	۲/۷
۷	۰/۸۷	۲/۶۱	۳۷/۱۷	۲/۵	۰/۸۵	۳۵/۰۱	۰/۸۴	۲/۵

1. Oblique

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که ارزش ویژه^۱ مربوط به تحلیل مؤلفه‌های اصلی گروه دختران در ۴ مورد، گروه پسران در ۵ مورد و کل نمونه در ۴ مورد بالاتر از ۱ است. با وجود ارائه ارزش‌های ویژه بالاتر از ۱ در تحلیل عاملی ارائه شده در جدول ۳، استفاده از این روش برای استخراج عامل‌ها موجب می‌شود که پژوهشگر به تعداد عواملی بیش از حد مطلوب دست یابد، به همین دلیل برای اصلاح روند به انجام رسیده، از روش تحلیل عاملی موازی استفاده شد و نتایج آن نشان داد که در هر ۳ گروه ۴ عامل تأیید می‌شود که ارزش ویژه مؤلفه‌های آن بالاتر از ۱ است. بنابراین، در هر گروه چهار عامل ناشی از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد (مندرجات جدول ۴). همچنین با استفاده از بررسی نمودار پراکندگی دو متغیری از خطی بودن رابطه همبستگی در میان متغیرها و طبیعی بودن توزیع پراکندگی اطمینان حاصل شد.

در مجموع تحلیل داده‌های مربوط به آزمون ۴ عاملی شخصیتی کمپن در گروه دختران، پسران و کل آزمودنی‌ها بر اساس چرخش واریماکس نشان داد که عوامل متعددی حائز ارزش‌های ویژه بالاتر از یک بوده (مندرجات جدول ۳)، اما با توجه به تحلیل عاملی موازی، چهار عامل در هر گروه قابل اعتماد هستند. چهار عامل یاد شده در گروه دختران ۲/۸ درصد واریانس را در نمرات مربوط به (4DPT)، در گروه پسران ۵۱/۲۶ درصد و در کل نمونه ۵/۲۷ درصد واریانس را تبیین می‌کند (مندرجات جدول ۴). برای تشخیص و سنجش داده‌های پرت با استفاده از برنامه *descriptives* در *spss*، اندازه هر متغیر به نمره استاندارد (z) تبدیل شد. بر طبق این روش مواردی که نمره z آن‌ها از $\pm 2/5$ تجاوز کند، به عنوان داده پرت تلقی شده و در محاسبات آماری از لیست داده‌ها حذف می‌شود و در شرایطی میانگین داده‌ها را جانشین نمرات حذف شده می‌کنند. در پژوهش حاضر داده پرت مستلزم کنترل وجود نداشت.

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۵۵

جدول ۴: ارزش‌های ویژه ناشی از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و سطح درصدی ارزش ویژه ناشی از تحلیل موازی

ریشه	زنان		مردان		کل	
	میانگین	درصد	میانگین	درصد	میانگین	درصد
۱	۱/۳۱	۱/۳۷	۱/۲۹	۱/۳۵	۱/۳	۱/۳۷
۲	۱/۲۶	۱/۲۹	۱/۲۴	۱/۲۵	۱/۲۵	۱/۲۸
۳	۱/۲۱	۱/۲۵	۱/۱۹	۱/۲۱	۱/۱۹	۱/۲۳
۴	۱/۱۸	۱/۲۱	۱/۱۴	۱/۱۸	۱/۲۱	۱/۱۹

از سویی تحلیل داده‌های کل نمونه بر اساس چرخش واریماکس (مندرجات جدول ۵) نشان داد که بارهای عاملی سؤال‌های خرده مقیاس روان‌رنجورخویی بین ۰/۵۶ تا ۰/۳۲ در تغییر است و قادر است ۸/۱ درصد واریانس را تبیین کند. از طرفی بارهای عاملی خرده مقیاس برونگرایی بین ۰/۵۴ تا ۰/۳۲ در نوسان بوده و این خرده مقیاس ۷/۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. همچنین مندرجات جدول نشان می‌دهد که بارهای عاملی خرده مقیاس بی‌احساسی و نظم به ترتیب بین ۰/۵۵ تا ۰/۳۵ و ۰/۵۰ تا ۰/۳۲ در تغییر بوده و ۶/۵ و ۵/۷ درصد واریانس نمرات مربوط به 4DPT را تبیین می‌کند. ماتریس عاملی این تحلیل در جداول ۳ و ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: تحلیل مؤلفه‌های اساسی با چرخش واریماکس برای ۶۴ سؤال آزمون کمپن (4DPT)

سؤال	بارهای عاملی			
	۱	۲	۳	۴
سؤال ۲۳				۰/۳۹۳
سؤال ۵۵				۰/۳۸۶
سؤال ۳۹				۰/۳۸۱
سؤال ۳۵				۰/۳۸۰
سؤال ۵۹				۰/۳۶۹
سؤال ۵۱				۰/۳۴۶
سؤال ۴۳				۰/۳۲۷
سؤال ۳۱				
سؤال ۲۹				
سؤال ۲	۰/۵۷۲			
سؤال ۶	۰/۵۶۵			

بارهای عاملی				
۴	۳	۲	۱	سؤال
			۰/۵۴۱	سؤال ۳۰
			۰/۵۲۵	سؤال ۴۲
			۰/۵۲۲	سؤال ۴۶
			۰/۴۷۵	سؤال ۳۸
			۰/۴۶۷	سؤال ۱۰
			۰/۴۴۲	سؤال ۲۲
			۰/۴۰۴	سؤال ۳۴
			۰/۴۰۰	سؤال ۶۲
			۰/۳۹۵	سؤال ۱۸
			۰/۳۹۴	سؤال ۵۸
			۰/۳۹۴	سؤال ۱۴
			۰/۳۸۵	سؤال ۲۶
			۰/۳۸۵	سؤال ۱۲
			۰/۳۵۶	سؤال ۵۴
			۰/۳۳۸	سؤال ۴۹
		۰/۵۵۷		سؤال ۵۲
		۰/۵۵۰		سؤال ۲۸
		۰/۵۴۸		سؤال ۶۰
		۰/۴۷۲		سؤال ۳۶
		۰/۴۴۵		سؤال ۶۴
		۰/۴۴۲		سؤال ۴۸
		۰/۴۳۸		سؤال ۴۰
		۰/۴۳۰		سؤال ۴۴
		۰/۴۲۶		سؤال ۸
		۰/۳۹۹		سؤال ۱۶
		-۰/۳۹۹		سؤال ۳۲
		-۰/۳۳۸		سؤال ۱۵
		۰/۳۳۱		سؤال ۴
		۰/۳۲۴		سؤال ۵۶
				سؤال ۵۰
				سؤال ۲۷
				سؤال ۲۴
	۰/۵۶۵			سؤال ۲۱
	۰/۵۶۵			سؤال ۴۱
	۰/۵۵۶			سؤال ۳۷
	۰/۵۳۸			سؤال ۳۳
	۰/۵۳۷			سؤال ۵۳

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۵۷

بارهای عاملی			
سؤال	۱	۲	۳
سؤال ۱			۰/۵۱۴
سؤال ۹			۰/۵۰۳
سؤال ۴۵			۰/۵۰۰
سؤال ۱۳			-۰/۴۸۵
سؤال ۵۷			۰/۴۸۳
سؤال ۶۱			۰/۴۳۷
سؤال ۱۷			۰/۳۴۴
سؤال ۱۱			
سؤال ۵			
سؤال ۲۵			
سؤال ۳			۰/۵۱۱
سؤال ۲۰			۰/۴۸۳
سؤال ۶۳			۰/۴۶۵
سؤال ۷			۰/۴۲۶
سؤال ۱۹			۰/۴۲۲
سؤال ۴۷			۰/۴۰۰

روایی همزمان از طریق همبستگی مقیاس‌های 4DPT با مقیاس‌های EPQ-RS برآورد شد و نتایج آن در جدول ۶ آمده است. همان‌طور که دیده می‌شود، در سطوح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۵ همبستگی میان مقیاس برون‌گرایی در هر دو پرسشنامه معنادار و در حدود ۰/۷۶ است. همچنین همبستگی میان مقیاس‌های روان‌رنجورخوبی در هر دو پرسشنامه ۰/۶۹ و معنادار است. مقیاس P (عامل سایکوتیسیسم) آیزنک با عامل G (4DPT) همبستگی منفی دارد و از نظر آماری نیز معنادار است (-۰/۳۶) و همبستگی میان مقیاس P در پرسشنامه EPQ-RS با عامل S (4DPT) در حدود (۰/۳۳) به دست آمده است. همبستگی ۲ عامل برون‌گرایی و روان‌رنجوری در حد مقبول و بالای ۰/۶۰ بود و از آنجا که عامل روان‌پیش‌خوبی با دو عامل S و G مرتبط است مجموع همبستگی‌ها رضایت‌بخش است.

جدول ۶: همبستگی مقیاس‌های 4DPT با مقیاس‌های EPQ-RS

E	G	S	N	مقیاس‌های 4DPT مقیاس‌های EPQ-RS
۰/۷۶۹*	۰/۰۳۳	-۰/۰۴۶	-۰/۰۲۲۸*	E
-۰/۱۵۰*	۰/۰۲۰	۰/۲۲۹*	۰/۶۹۲*	N
-۰/۱۰۵	-۰/۳۶۰*	۰/۳۳۰*	-۰/۰۱۴	P

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱ (دو دامنه).

پیش فرض ملاک خروج^۱، انتخاب عامل یا مؤلفه‌هایی است که ارزش ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک است. که نتایج آن با استفاده از نمودار اسکرین پیش از این بررسی شد. پژوهشگران، بر حسب شرایط عملی یا نظری می‌توانند این محدودیت را نادیده بگیرند و از ملاک انتخاب خود استفاده کنند. با توجه به اینکه در بررسی اشتراک‌های استخراج متغیرهایی وجود نداشت که پایین به نظر برسند، لذا موادی از تحلیل حذف نشد و تحلیل ادامه یافت. در جدول ۷ همبستگی بین مقیاسی 4DPT در کل نمونه نشان داده شده است. همبستگی‌های بین مقیاسی در بین مقیاس‌های برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی، نظم و بی‌احساسی منفی و معنادار است و بین مقیاس بی‌احساسی و روان‌رنجورخویی مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۷: همبستگی‌های بین مقیاسی میان ابعاد 4DPT در کل نمونه

E	G	S	N	ابعاد
			-	N
		-	۰/۰۲۷۹**	S
	-	-۰/۰۱۶۳***	-۰/۰۵۸	G
-	۰/۰۱۳	۰/۰۳۳	-۰/۰۱۲۳*	E

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵ (دو دامنه).

** همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱ (دو دامنه)

برای بررسی پایایی عامل‌های به دست آمده از تحلیل عاملی و همچنین پایایی کل پرسشنامه از ضریب پایایی همسانی درونی آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول ۸ آورده شده است.

1. Extraction

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۵۹

بر اساس نتایج حاصله، ضریب آلفا برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۱ بود. برای ۱۶ سؤال خرده مقیاس روان‌رنجورخویی برابر با ۰/۷۵، برای ۱۶ سؤال خرده مقیاس برونگرایی برابر با ۰/۵۹، برای ۱۶ سؤال خرده مقیاس بی‌احساسی برابر ۰/۶۶ و برای ۱۶ سؤال خرده مقیاس نظم برابر با ۰/۵۶ بود. مبتنی بر این نتایج چنین استنباط می‌شود که سؤالات پرسشنامه از ثبات درونی نسبی بهره‌مند هستند.

جدول ۸: پایایی (ثبات درونی عامل‌ها) عوامل شخصیتی کمپن

عوامل شخصیتی	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ سؤالات استاندارد شده
N	۱۶	۰/۷۵۸	۰/۷۵۹
S	۱۶	۰/۶۶۵	۰/۶۶۷
G	۱۶	۰/۵۳۸	۰/۵۶۹
E	۱۶	۰/۵۸۳	۰/۵۹۱

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر هنجاریابی آزمون ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) بررسی شد. به منظور تلخیص داده‌ها و پی بردن به متغیرهای زیربنایی از تحلیل عاملی استفاده شد (گراوند، ۱۳۹۰). یافته‌های توصیفی این پژوهش همسو با برخی از یافته‌های پیشین است، به‌طوری‌که در بررسی‌های پیشین، که روی مدل EPQ-RS انجام شده بود، مشخص شد که مردان در شاخص‌های P و E و زنان در شاخص‌های N و L نمرات بالاتری به‌دست آورده بودند (بلاک^۱ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۰۳؛ کندلر^۲، ۲۰۰۰: ۲۸۱؛ لوتلین^۳، ۱۹۹۹: ۲۱۱؛ فینکل و مک‌گیو^۴، ۲۰۰۵: ۹۳۶). نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که در مدل ۴ عاملی (4DPT) زنان در مقایسه با مردان در شاخص‌های N و E نمرات بالاتری کسب کردند؛ یعنی زنان بیشتر از مردان مستعد ابتلا به روان‌رنجورخویی (نوروتیسیسم) هستند. همچنین شاخص برونگرایی اجتماعی و

1. block
2. kendler
3. loehlin
4. Finkel & Mc Gue

خصوصیات هیجان‌خواهی، حمایت‌طلبی اجتماعی و ... در زنان بالاتر از مردان است. درباره سایر متغیرها (G و S) در میان زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده نشد.

روایی همزمان در پژوهش حاضر از طریق برآورد همبستگی مقیاس‌های 4DPT و EPQ-RS سنجیده شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که همبستگی‌های ۲ عامل E و N در ۲ پرسشنامه با هم مثبت و از لحاظ آماری معنادار بودند. بنابر نظر جانگ، لایوزلی و ورنون^۱ (۲۰۰۶: ۵۸۶) مقیاس P پرسشنامه شخصیت آیزنک، دارای خلوص عاملی نیست. این نظریه پردازان معتقد هستند علت پایایی ضعیف این مقیاس نیز دلیل همین آلودگی است. در نتیجه قابل پیش‌بینی است که مقیاس P با دو مقیاس G و S (4DPT) رابطه معنادار آماری داشته باشند. به طوری که مقیاس P با مقیاس G همبستگی منفی و با مقیاس S همبستگی مثبت دارد. نتایج پژوهش حاضر از مدل ۴ عاملی شخصیت کمین حمایت می‌کند. پایایی 4DPT با توجه به شاخص همسانی درونی برای مقیاس‌های E و G و N و S نسبتاً رضایت‌بخش است، با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای عوامل E و N بالاتر است. در مجموع با توجه به آلفای محاسبه شده کلی می‌توان گفت که سؤالات پرسشنامه از ثبات درونی نسبی بهره‌مند هستند. همبستگی بین مقیاسی در نمونه‌های زنان و مردان و کل نشان می‌دهد که در تمامی آن‌ها همبستگی بین E و G، S و G، E و N معنادار است. همان‌طور که انتظار می‌رفت همبستگی نسبتاً مطلوبی بین عوامل آزمون ۴ عاملی شخصیت کمین و پرسشنامه آیزنک به دست آمد که بیان‌کننده اعتبار مطلوب عوامل بود. همبستگی عوامل G و S با عامل P که همواره مورد انتقاد بوده نیز مشابه مطالعات پیشین دوسویه بود (ولما، ۲۰۰۳؛ گلدبرگ، ۲۰۰۱؛ فینکل، ۲۰۰۵).

آلوجا و همکاران (به نقل از ساوشر^۲، ۲۰۰۱؛ ۴۷۱) اشاره دارند که همبستگی درون سؤالی بالا در پرسشنامه‌های شخصیت دلیل کاهش برآزش مدل در این گونه پرسشنامه‌ها است. این محققان معتقد هستند از طریق حذف سؤالاتی که همبستگی بالا دارند برآزش مدل پرسشنامه‌های شخصیت، بهبودی جالب توجه می‌یابد.

به‌طور خلاصه در پژوهش حاضر، ویژگی‌های مناسب روان‌سنجی و صحت ساختار عاملی

1. Jang, Livesly & Vernon

2. saucir

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ۴ عاملی شخصیتی کمپن (4DPT) ۱۶۱

4DPT تأیید شد و این مسأله می‌تواند موجبات استفاده از این پرسشنامه ۶۴ سؤالی را برای اولین بار در کلینیک‌ها و مراکز دانشگاهی و بیمارستانی فراهم کند. در نتیجه می‌توان از 4DPT برای سنجش ابعاد پایه‌ای شخصیت (درونگرایی/برونگرایی، پایداری هیجانی/ ناپایداری هیجانی، نظم، بی‌احساسی) استفاده کرد. با توجه به وجود رابطه بین ابعاد پایه‌ی شخصیت و طیف وسیعی از مشکلات موجود در جوامع امروزی و بسیاری از اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فساد اخلاقی، طلاق، اختلالات زناشویی، جرم و.... (ریمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۵۶؛ بخشی پور و دژکام ۱۳۸۵: ۶) بنابراین، می‌توان از 4DPT علاوه بر سنجش عوامل پایه‌ی شخصیت به‌عنوان ابزار مؤثر در سرند کردن و شناسایی جمعیت در معرض خطر استفاده کرد. مثلاً رابطه‌ی نوروگرایی بالا و اختلالات زناشویی از 4DPT، در مشاوره‌ی زناشویی و پیش‌بینی ازدواج‌های نامؤفق ابزاری مناسب می‌سازد و یا اینکه درمان به موقع افسردگی با توجه به وجود رابطه‌ی افسردگی بالا و مادرگری نامناسب می‌تواند در سایه مدل 4DPT، از رشد و پرورش کودکان نایمن جلوگیری کند و بدین ترتیب پیشگیری از وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی متعاقب رخ می‌دهد.

پژوهش حاضر در میان جمعیت دانشجویی انجام شده و تعمیم آن به کل جمعیت ایران نیازمند توجه و احتیاط لازم است. این پرسشنامه برای اولین بار در ایران اجرا شده و یک پژوهش مقدماتی است (شایقان، ۱۳۸۹). بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری در این زمینه با در نظر گرفتن نمونه‌ی بزرگ‌تری در سطح کشور صورت پذیرد تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد و یا از مدل‌های دیگر شخصیتی برای بررسی روایی آن استفاده شود. همچنین در حوزه‌های آسیب‌شناسی روانی و اختلالات نیز می‌توان از 4DPT بهره جست و وجود ارتباط بین عوامل و اختلالات روانی را بررسی کرد.

منابع

بخشی پور، عباس، باقریان خسروشاهی، صنم (۱۳۸۵). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیزنک-فرم کوتاه (EPQ-RS). *مجله روان‌شناسی معاصر*، شماره ۲، دوره اول.

شولتز، داون و شولتز، سیدنی الن (۱۳۸۴). *نظریه‌های شخصیت*، یحیی سید محمدی، ویرایش دوم، تهران: ویرایش.

گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰). *رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت* (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). جامعه پژوه، دانیال.

شولتز، د. پ، شولتز، س. ا (۱۳۸۴). *تاریخ روان‌شناسی نوین*، علی اکبر سیف، چاپ هفتم، تهران: دوران.

فیرس، ای. جری و ترال، تیموتی جی (۱۳۸۵). *روان‌شناسی بالینی. مفاهیم، روش‌ها و حرفه‌ها*، مهرداد فیروزبخت، چاپ سوم، تهران: رشد.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری* (پایه‌های پژوهش)، چاپ ششم، تهران: پارسا.

جوشن لو، محسن، رستمی، رضا و نصرت آبادی، مسعود (۱۳۸۵) بررسی ساختار عاملی مقیاس بهزیستی جامع. *روان‌شناسی و علوم تربیتی «روان‌شناسان ایرانی»*، شماره ۹؛ ۵۲-۳۵.

گراوند، فریبرز، شکری، امید، خدایی، علی، امرایی، مردان و طولابی، سعید (۱۳۹۰). هنجاریابی، روایی و پایایی نسخه کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی در نوجوانان دانش آموز ۱۸-۱۲ ساله شهر تهران. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۱؛ ۹۵-۶۵.

شایقیان، زینب و وفایی، (آگیلار) مریم (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی سیاهه علائم اختلال خوردن (EDI) در دانش‌آموزان دختر پایه دوم دبیرستان‌های تهران. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۲؛ ۲۳-۹.

Block, J. (2000). "A contrarian view of the five-factor approach to personality description" *P sychological Bulletin*, 117: 187-215.

Bratko, D. and Marusic, I. (2007). "Family study of the Big Five personality

- dimensions“ *Personality and Individual Differences*, 23: 365-369.
- Chrch, A. T. and Burke, P. J. (2001). ”Exploratory and confirmatory tests of the Big Five and Tellegen’s three and four-dimensional models “ *Journal of Personality and Social Psychology*, 66:93-11 .
- Claridge, G(2000) .” Single indicator of risk for schizophrenia : Probable fact or likely myth? “ *Schizophrenia Bulletin*, 20 : 151-162.
- Costa, P.T ,Jr. & Mc Crae, R. R.(2003). Reply to Eysenck, *personality and individual Differences*, 13: 861-865.
- Eysenck H, J. & Barrett, P. T.(1993) .”The nature of schizotypy“,*Psychological Reports*, 73: 59-63.
- Eysenck, H. J. (1994). ” The importance of theory in the taxonomy of personality “. In: De Raad, B. Hofstee, W. K. B and Van Heck, G. L. (Eds), *Personality Psychology in Europe*, Vol. 5, pp. 6-13, Tilburg University Press, The Netherlands.
- Eysenck, H. J(1995) How valid is the psychotics scale? A comment on the Van Kampen critique; *European journal of personality*, 9:103-108.
- Eysenck, H.J(1999) *Genius: the Natural History of Creativity*, Combridge University Press, Cambridge.
- Eysenck, H.J.(1991) Dimensions of personality : 16,5, or 3? Criteria for a taxonomic paradigm; *personality and Individual Differences*, 12:773-790.
- Eysenck, S. B. G. & Eysenck , H. J.(1975) *Manual of the Eysenck Personality Questionnaire*, Hodder and Stoughton, London.
- Finkel, D. & Mc Gue, M.(2005).“Sex differences and nonadditivity in heritability of the Multidimensional personality Questionnaire Scale”, *Journal of personality and Social psychology*, 929-938.
- Goldberg, L. R. (2001). ” The structure of phenotypic personality trait “ *American Psychologist*, 48:26-34.
- Gray, N.S.,Pickering, A.D & Gray, J.A(2002).”Psychoticism and dopamine D2 binding in thebasal gangelia using single photon emission tomograph.” *Personality and Individual Differences*, 17: 431-434.
- Jang, K. L, Livesley, W. J. & Vernon, P. A.(2006) .”Heritability of the Big Five personality dimensions and their facets: A twin study“, *Journal of Personality*, 64: 577-591.
- Kendler, K. S. & Diehl, S. R. (2000). ” The genetics of schizophrenia: A current, genetic epidemiologic perspective “, *Schizophrenia Bulletin*, 19: 261-285.
- Loehlin , J.C.(1999). *Genes and Environment in personality development*, Sage, London.
- Riemann, R. Angleitner, A. & Strelau, J.(2005).”Genetic and environmental influences on personality: A study of twins reared together using the self and peer report NEO-FFI scales “, *Journal of Personality*, 65: 449-476.
- Saucier, G. & Goldberg, L. R. (2001). ” *The language of personality : Lexical perspectives on the five-factor model*“. In: Wiggins, J. S. (Ed), *Theoretical Perspectives for the Five-Factor Model*, Guilford, New York, in press.

- Van Kampen, D.(1993) ."the 3DPT dimension S,E and N: a critical evaluation of Eysenck's psychoticism model "*European journal of personality*, 7: 65-105.
- Van Kampen, D.(1996) "The theory behind psychoticism a reply to Eysenck; *European Journal of personality*, 10: 57-60.
- Van Kampen, D.(1996). *Basic personality factors from a clinical/theoretical perspective thesis*, Vrije Universiteit, Amsterdam.
- Van Kampen, D.(1997) ."Orderliness as a major dimension of personality: from 3DPT to 4DPT"; *European journal of personality*, Vol. 11:3. 211-242.
- Van Kampen, D.(1999) ."Genetic and Environmental Influences on Pre-schizophrenic Personality: MAXCOV-HITMAX and LISREL Analysis"; *European journal of personality*, 13:63-80.
- Vollema, M.G. & Van den Bosch, R.J.(2003) "The multidimensionality of Sschizotypy" , *schizophrenia Bulletin*, 21:19-31.